

نقش بسیج ملی در اقتصاد مقاومتی

مهدی ابراهیمی^۱

چکیده

مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را یکی از الزامات سیاست‌گذاری اقتصادی کشور برشمرده و فرمودند: یکی از شرائط اقتصاد مقاومتی، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحبان نظران میدهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود. لذا در این زمینه بسیج ملی آحاد مردم و مسئولین نقش بسزایی دارد. برای بسیج ملی در اقتصاد مقاومتی علاوه بر پیش‌نیازها و ابعاد اقتصادی، نیازمند در نظر داشتن ابعاد غیراقتصادی دیگری نیز هستیم. از جمله: مدیریت جهادی، انسجام ملی، مبارزه با رانت‌خواری و فساد، توجه به سند چشم‌انداز و اسناد بالادستی، توجه به شرکتهای داده بنیان، چابک‌سازی دولت و... بسیج ملی در این میان نقشی اساسی دارد. وجهه مشترک دو مقوله اقتصاد مقاومتی و بسیج ملی، مردم هستند. در این تحقیق ضمن بهره‌گیری از پژوهش آمیخته با روش توصیفی استنباطی در پی پاسخ به این سوال هستیم که چه راهبردهایی می‌تواند ملت ایران را در اقتصاد مقاومتی بسیج نماید؟

واژه‌گان کلیدی: نخبگان بسیج ملی، اقتصاد مقاومتی، مردم.

مقدمه

۱- دکتری مدیریت راهبردی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mabrahimi81@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

ایجاد یک تحول عمیق و بزرگ در عرصه اقتصاد ملی با ورود شجاعانه و مبارزانه مردم و مسئولین و حرکت انقلابی و فداکارانه همگانی برای رفع معضلات اقتصادی و تغییر اساسی در مقوله‌های اصلی اقتصاد میسر است برای تحقق و شکل‌گیری چنین تحولی در عرصه اقتصاد نیاز به بسیج ملی امری اجتناب‌ناپذیر است.

اقتصاد مقاوم‌تی تبلور ادامه‌ی تأکیدات راهبردی مقام معظم رهبری بر جهش اقتصادی و افزایش سطح تولید ملی است و تحقق این مهم در گرو توجه به جمیع راه‌کارها و سیاست‌های خرد و کلانی است که در معماری نوین اقتصادی در سال‌های گذشته به دست معظم‌له ریل‌گذاری شده است.

تحلیل تأکیدات ویژه‌ی ایشان در چند سال اخیر، از طرفی نشان‌دهنده‌ی اهمیت تقویت بنیه‌ی اقتصادی نظام اسلامی است و از طرف دیگر عمق بینش و نگاه راهبردی رهبر انقلاب را نشان می‌دهد. مقوله‌ی اقتصاد و جهش سطح تولید ملی و رفع معضلات اقتصادی، همچون بیکاری و تورم، تلاش در جهت توسعه‌ی اقتصادی در مسیر دستیابی نظام اسلامی با مأموریت‌های متعالی خود، و بنای تمدن عظیم اسلامی است. واضح است که هر اصلاح و پیشرفتی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیازمند داشتن توان و نیروی اقتصادی کافی در کشور است. قدرت و توان اقتصاد یک کشور نیز متجلی در سطح تولید و توان رفع نیازهای اقتصادی در کنار حضور و مشارکت فعال در عرصه‌ی اقتصاد منطقه‌ای و بین‌المللی است.

گذار از یک اقتصاد وابسته و آسیب‌پذیر در برابر نوسانات، به اقتصادی مقاوم که در آن زنجیره‌ی تولید در اقتصاد کامل و غیروابسته باشد و کشور بتواند ضمن پاسخ‌گویی به

تقاضای داخلی، سهمی از مبادلات اقتصاد بین‌الملل را نیز به خود اختصاص دهد، نیازمند عزم و اراده ملی است.

عزم ملی و اراده آحاد یک کشور به شرط برخورداری از رهبری حکیم و پشوانه‌ای ایدئولوژیک، می‌تواند بزرگترین تشکل یعنی بسیج ملی را در مواجهه با دشمن برای آن کشور رقم بزند. نمونه بارز این مقوله ملت مسلمان و انقلابی ایران است که با بسیج ملی خویش، در سرنگونی حکومت طاغوت و سالهای پرفراز و نشیب دفاع مقدس و پس از آن نقشی منحصر به فرد ایفا نموده است. در شرایط فعلی که دشمن با شناسایی نقطه ضعف کشور یعنی بعد اقتصادی، همه توان خود را به کار گرفته تا مانع حرکت شتابنده این ملت شود، رفع این تهدید عمل به توصیه رهبر فرزانه انقلاب و بسیج ملی در اقتصاد مقاومتی است.

راهبرد اقتصاد مقاومتی می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه‌ی اقتصاد را بالفعل کند و به جهش در سطح تولید ملی منجر شود. در اقتصاد مقاومتی، رکن اصلی، همان قوام اقتصاد داخلی و عدم وابستگی به بیرون است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه فرمودند: «وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگهداریم. این یکی از اقتضائات اقتصاد مقاومتی است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.» (بیانات مقام معظم رهبری ۹۲/۱/۱)

بیان مسئله:

تقابل نظام جمهوری اسلامی ایران با دنیای کفر و استکبار، با جنگ اقتصادی و ورود به عرصه تحریم‌های به زعم دشمن فلج‌کننده، امروز به بالاترین درجه خودش رسیده است. ملت ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون تحریم‌های متعددی را از سوی دشمنان خویش تجربه کرده است. اما آن چه که باعث تمایز بین تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی گذشته با زمان حال می‌شود، شدت و همه‌جانبه بودن آن‌هاست. در واقع هدف اصلی تحریم‌ها را می‌توان ناامید کردن مردم از انقلاب اسلامی و به تبع آن ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی دانست. و یا در پایین‌ترین حد انتظار، هدف تحریم‌ها عقب‌نشینی نظام جمهوری اسلامی ایران از مواضع اسلامی و انقلابی خویش است.

واقعیت امر این است که تصمیمات و حرکت‌های اقتصادی کشور بخصوص در بعد صنعتی در سالهای قبل به درستی انجام نشده است، زیرا بدنه اقتصاد کشور مبتنی بر پیوندهای معنی‌دار با اقتصاد جهانی است. لذا یکباره و با اعمال چند تحریم، اقتصاد وابسته به نفت گسسته، و بازار داخلی با افت ارزش پول ملی به شدت تأثیر پذیرفته و در پی آن فروغ شهرک‌های صنعتی گرفته شده و بنیان‌های صنعتی یکباره رو به تعطیلی می‌رود. و لذا تأکید مقام معظم رهبری بر روی مقوله «اقتصاد مقاومتی» یعنی تلاش ملی در جهت تقویت و هویت بخشی به اقتصاد ملی است.

مسئله‌ای که وجود دارد این است که با توجه به شرایط تحریم‌ها و فشار دشمن در مقوله‌ی اقتصاد و مشکلات ساختار اقتصادی از جمله وابستگی شدید به نفت نیازمند حرکتی ملی در جهش سطح تولید و رفع معضلات اقتصادی، همچون بیکاری و تورم، تلاش در جهت توسعه‌ی اقتصادی و حرکت در مسیر دستیابی نظام اسلامی به مأموریت‌های متعالی

خود، و بنای تمدن عظیم اسلامی هستیم لیکن این امر به تنهایی از عهده دولت خارج است. از آنجایی که انقلاب اسلامی از بنای اولیه بر پایه بسیج ملی شکل گرفته است، در اقتصاد مقاومتی نیز نقش بسیج ملی آحاد جامعه بسیار حیاتی خواهند بود.

لذا در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که چه راهبردهایی می‌تواند آحاد جامعه را در اقتصاد مقاومتی بسیج کند؟

اهمیت و ضرورت

طرح مسأله‌ی اقتصاد مقاومتی از این جهت راهبردی و مهم است که به جمیع شعارها، پیام‌ها، راهبردها و سیاست‌های کلی اقتصادی قبلی ابلاغی از سوی رهبری، روح انقلابی و اسلامی دمید و ضامن حرکت، پویایی و شتاب آن‌ها شد. ما نیاز داریم که حماسه‌ها را در عرصه‌های مختلف زندگی -سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- برای اصناف و طبقات مختلف مردمی به نحوی ملموس و کاربردی نسبت به زندگی روزانه‌ی آن‌ها تعریف کنیم.

ایرانی مسلمان، ظرفیت‌های بالقوه‌ی منابع حماسی و تاریخی، ملی و دینی خود را هنوز به قدر کفایت استحصال نکرده است. مسأله‌ها و گردنه‌هایی که ایران اسلامی در تداوم موفقیت‌هایش با آن‌ها مواجه است، حماسه‌آفرینی می‌طلبد. برای دستیابی به قله‌ی رفیع موفقیت و تبدیل شدن به الگو و سرآمد ملت‌های آزاده‌ی جهان، به روحیه‌ی حماسی بیشتری به‌ویژه در عرصه‌ی حیات اقتصادی نیاز داریم. چنانچه برای خلق حماسه اقتصادی و رفع تنگنایهای اقتصاد کشور بسیج ملی انجام نگیرد و زندگی اقتصادی مردم با مشکل مواجه شود، ایجاد تمدن اسلامی با مشکل مواجه خواهد شد.

نوع و روش تحقیق

نوع و روش تحقیق این مقاله از نوع کاربردی- توسعه‌ای بوده و روش کلی تحقیق تحلیلی استنباطی با بهره‌گیری از مستندات شهودی است. و درگردآوری مطالب و مستندات از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی و مصاحبه استفاده شده است.

تعاریف و مفاهیم

علم اقتصاد:

علم اقتصاد دانشی است که با در نظر گرفتن کمبود کالا و ابزار تولید و نیازهای نامحدود بشری به تخصیص بهینه کالاها و تولیدات می‌پردازد. پرسش بنیادین برای دانش اقتصاد مسئله حداکثر شدن رضایت و مطلوبیت انسانهاست. این دانش به دو بخش اصلی اقتصاد خرد و کلان تقسیم می‌شود. در تعریف مناسب تر می‌توان گفت اقتصاد، علم بررسی و مطالعه مسأله کمیابی است. (سیف، ۱۳۹۲: ۱)

اقتصاد مقاومتی:

تعریف دیگر اقتصاد مقاومتی عبارتست از: سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی معطوف به پایداری در همه سطوح با فرض فشار همه‌جانبه نظام سلطه. «اقتصاد» مقاومتی یعنی اینکه مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند. (دکتر رهبری رئیس دانشگاه علوم اقتصادی).

اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر و راهکارهایی است که برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت در همه زمینه‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود. (پیغامی)

حرکتی مردمی، بلند، شجاعانه و برخاسته از عقل و تدبیر برگرفته از ایمان و شور انقلابی، در عرصه اقتصادی کشور به منظور حل معضلات اقتصادی گریبانگیر کشور و تحقق اقتصاد پویا و زمینه ساز تمدن بزرگ اسلامی (محقق)

بسیج:

مقام معظم رهبری می‌فرماید: معنای بسیج حضور متن مردم در عرصه‌های فعالیت‌های اساسی برای ملت و کشور است. بسیج... مظهري از همین حضور مردمی در صحنه و پیوند مردم با یکدیگر است. (۲۹/۸/۹۲). عرصه‌ی بسیج یک عرصه‌ی عمومی است؛ نه مختص یک قشر است، نه مختص یک بخشی از بخش‌های جغرافیایی کشور است، نه مختص یک زمانی دون زمان دیگری است؛ نه مختص یک عرصه‌ی دون عرصه‌ی دیگری است. در همه‌ی جاها، در همه‌ی مکانها، زمانها، عرصه‌ها و در همه‌ی قشرها، این وجود دارد. این معنای بسیج است. (۸۹/۴/۲)

بسیج ملی:

بسیج ملی یا عمومی به تدارک، آماده‌سازی و به کارگیری منابع، امکانات و توانایی‌های کشور برای مقابله با شرایط اضطراری ناشی از بحرانها و حوادث بزرگ در سطح ملی اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی و... اطلاق می‌گردد. (بشریه، ۱۳۸۴)

مقام معظم رهبری می‌فرماید: معنای بسیج حضور متن مردم در عرصه‌های فعالیت‌های اساسی برای ملت و کشور است. بسیج... مظهري از همین حضور مردمی در صحنه و پیوند مردم با یکدیگر است. (۹۲/۸/۲۹). عرصه‌ی بسیج یک عرصه‌ی عمومی است؛ نه مختص یک قشر است، نه مختص یک بخشی از بخش‌های جغرافیایی کشور است، نه مختص یک زمانی دون زمان دیگری است؛ نه مختص یک عرصه‌ی دون عرصه‌ی دیگری است. در

همه‌ی جاها، در همه‌ی مکانها، زمانها، عرصه‌ها و در همه‌ی قشرها، این وجود دارد. این معنای بسیج است. (۸۹/۴/۲)

ادبیات تحقیق

چرایی اقتصاد مقاومتی

امروز دشمن پس از مایوس شدن از حمله و تهدید نظامی، بر روی چند نکته اساسی دست گذاشته است. یکی از بارزترین آن‌ها مسئله اقتصادی و در واقع معیشت مردم است. دشمن به خیال خام خود می‌خواهد مردم را تحت فشارهای اقتصادی، از انقلاب و آرمان‌های والای آن جدا و با به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصادی و با فلج کردن پایه‌های اقتصادی کشور، مردم را مایوس کند؛ لذا رهبر معظم انقلاب این تجاوز دشمن را از پیش شناسایی کرده و چندین سال است که با عناوین مختلفی چون «پیشرفت و عدالت»، «همت مضاعف، کار مضاعف»، «جهاد اقتصادی»، «تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، «اقتصاد مقاومتی» و «حماسه اقتصادی»، آحاد ملت را هوشیار کرده‌اند. این مسئله، از اهمیت مقوله اقتصاد و اثرگذاری آن در دیگر ابعاد زندگی انسان خبر می‌دهد، و این‌که برای سامان بخشیدن به بخش‌های دیگر اجتماع، پیش از هر چیز باید بخش اقتصاد کشور را سامان بخشید.



(نمودار ۱- فرآیند اثرگذاری تهدید اقتصادی دشمن)

اقتصاد مقاومتی امروز ملت ایران، یک تجربه تاریخی نو و یک سرمشق است؛ یعنی ما نشان می‌دهیم در شرایط حصر اقتصادی نیز می‌توان نه تنها بر پا ایستاد، بلکه به پیشرفت و عدالت نیز نزدیک‌تر شد. اقتصاد مقاومتی، تأکیدی برای به بار نشستن حماسه اقتصادی است. مدیریت حماسه اقتصاد مقاومتی نیز، بسیار پیچیده‌تر از نمونه‌های بسیطی همچون تحریم تنباکو است؛ زیرا امروز، مقاومت باید در عملکرد سیستم و نظام، تجلی پیدا کند. زیرساخت‌های اقتصادی کشور به یمن تلاش‌ها و اقدامات گسترده سال‌های گذشته، مهبای یک جهش بزرگ اقتصادی دیگر است. دو رکن اصلی در اقتصاد مقاومتی، «جهاد شجاعانه» و «امید به پیروزی در نبرد با دشمن» است.

پرواضح است که شوک‌ها و سختی‌های اقتصادی نیازمند یک حماسه سازی برای عبور دادن کشور از مشکلات و گردنه‌های اقتصادی از جمله: تحریم‌های اقتصادی و ضربه‌پذیری تولید ملی، اجرای ناقص قانون هدفمندی یارانه‌ها، افزایش کم سابقه نرخ تورم، افزایش نرخ ارز، کاهش ارزش پول ملی، کاهش ورود کالاهای سرمایه‌ای و دارویی خارجی است. در جایی که تولید ملی ضربات بزرگی به دلیل اشتباه و سوء تدبیرهای

اقتصادی خورده است، در جایی که افزایش نرخ تورم به شکل بی سابقه‌ای طی یک دهه گذشته تداوم یافته و از مرز ۳۰ درصد عبور کرده است و همچنین همزمان با آن افزایش نرخ ارز منجر به افت ارزش پول ملی و کاهش دسترسی به منابع ارزی شده است، اقتصاد مقاومتی نه تنها بازگرداندن کشور و اقتصاد آن به حالت عادی است بلکه تلاش برای ایجاد نظام اقتصادی پویاست.

از دیگر زمینه‌ها و شرایط لازم برای خلق اقتصاد مقاومتی، داشتن نظام بوروکراتیک کارآمد، نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدبرانه و استفاده از اندیشه و تفکر جمعی در اتخاذ راهبردهاست. همانطور که رهبر انقلاب در ابتدای سال اشاره فرمودند، متأسفانه یکی از دلایل اثرگذاری تحریم‌ها، سوءتدبیر داخلی بوده است. سوءتدبیر به معنی عدم بهره‌گیری کافی از ظرفیت اندیشه و تفکر داخلی در فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری است. زمانی که برآیند نظرات کارشناسی در اجرای برخی قوانین بر خلاف عزم سیاست‌گذاری است، باید به آن به عنوان زنگ خطری نگریست که می‌تواند مانعی جدی برای خلق حماسه‌ی اقتصادی باشد.

مردم باید برای اثرگذاری بر فرایند اقتصاد مقاومتی، راهبری و هدایت شوند. برای این منظور باید وضعیت موجود و مطلوب اقتصاد کشور و چگونگی رسیدن به وضعیت مطلوب که همان اقتصاد مقاومتی است تبیین شده و شرایط ورود مردم از سوی دولت فراهم شود. شناخت وضعیت موجود و تهدیداتی که برای اقتصاد کشور متصور است، از اهم موضوعاتی است که باید به آن پرداخته شود و ما در ادامه در وسع این مقاله به آن می‌پردازیم.

ایران در حال حاضر با چه مشکلات اقتصادی روبه رو است؟

پاسخگویی به سؤال فوق، ساعت ها بحث می‌طلبد. اما بطور کلی پاسخ‌ها بشرح ذیل است:

۱. مشکل عدم تحرک و پویایی در تولید کل و سرانه:

این مشکل به مشکلات اقتصادی دیگری می‌انجامد که اهم آنها عبارتند از: کاهش نسبی سرمایه، افزایش بیکاری آشکار و پنهان، گسترش فقر، عقب ماندگی بیشتر بافت فنی تولید)

۲. مشکل ساختار نامتناسب تولید:

این مشکل خود را در سه زمینه آشکار می‌سازد: (۱) گسترش نامتناسب بخش خدمات (۲) دوگانگی شدید ساختار اقتصادی (۳) وابستگی تولید به دنیای خارج. این مشکلات معضلات تبعی ویژه‌ای به دنبال دارد که اهم آنها عبارتند از: محدود شدن ظرفیت سرمایه گذاری، وابستگی مصرف به دنیای خارج، تأثیرپذیری شدید وضعیت کلی اقتصاد از تصمیمات و تحولات اقتصادی جهان خارج، ایجاد شکاف‌های عمیق فرهنگی-اجتماعی

۳. مشکل عدم تناسب سیاست‌های پولی و بانکی:

اصول و محورهای مورد عمل در سیاست پولی و بانکی کشور عبارتند از: (۱) عدم استقلال کافی سیاست‌های پولی و بانکی از نظرگاه‌های الزامات سیاسی دستگاه‌های اجرایی (۲) تکیه بیش از حد نظام بانکی بر ادامه سطح مناسب و قابل توجه سود در کل عملیات بانکی و عدم اجرای کامل عقود اسلامی (۳) فقدان شرایط لازم برای اجرای صحیح نظام بانکداری نوین و بی‌تجربگی بانکها. این وضعیت به مشکلات دیگری می‌انجامد از جمله: افزایش شدید هزینه زندگی، افزایش شدید هزینه‌های تولید، دور شدن نقدینگی از سرمایه گذاری، رکود تولید، توزیع نامتعادل درآمد، ساختار نامناسب تولید

۴. حدود و نحوه عمل دستگاه اداری- اجرایی (دولت):

نحوه عمل هدایتی جامعه توسط دولت در دوران اخیر دچار معضلات و مشکلات فراوانی شده است که مشکلات اصلی آن را می‌توان در چند حوزه مطرح کرد: (۱) عدم وجود مبانی نظری از پیش مشخص شده در زمینه حدود و نحوه دخالت دولت در اقتصاد (۲) گسترش بار مالی فعالیتهای دولتی نامتناسب با درآمدهای دولت (۳) گسترش نامتناسب وظایف دولت با هزینه‌های انجام وظایف (۴) گسترش ناسنجیده دخالت‌های دولت در اقتصاد از طریق وضع مقررات پیچیده و وسیع نامتناسب با توان اجرایی آن. این مشکلات باعث شده که مشکلات تبعی بسیار حادی به وجود آید که اهم آنها عبارتند از: عدم کارایی شدید بخش دولتی، درهم شکسته شدن بافت اداری- اجرایی کشور، نزول شدید کیفیت ارائه خدمات دولتی.

۵. مشکلات بنیادی‌تر اقتصادی جامعه در حوزه‌های زیر قابل جستجو است:

(۱) عدم درک مباحث توسعه اقتصادی و فقدان استراتژی مناسب توسعه (۲) ضعف شدید نظام آموزشی و سرمایه‌گذاری مدرن در این زمینه (۳) ضعف روحیه علمی حاکم بر جامعه و استفاده از ابزار سیاسی بر رفع مسایل تخصصی اقتصادی یا کاربرد مسایل اقتصادی برای حل مسایل سایر حوزه‌ها (۴) قربانی شدن مداوم تولید اقتصادی در تب و تاب تحولات سیاسی (۵) ترویج روحیه مصرف‌گرایی در سطح جامعه (۶) وابستگی شدید بودجه جاری کشور به نفت (۷) عدم بهره‌گیری از ظرفیتهای موجود اقتصادی کشور مانند حوزه گردشگری، کشاورزی (۸) حاکمیت نگاه کوتاه مدت به اقتصاد در دولت‌مردان، مجلسیان و آحاد مردم (۹) وجود رانتهای متعدد اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی (۱۰) مردمی نبودن اقتصاد (سیف، ۱۳۹۲: ۹۰-۱۱۴)

توجه بر مشکلات فوق از یک سو و جنگ اقتصادی دشمن با استفاده از سلاح تحریم از سوی دیگر، حقیقت چرایی اقتصاد مقاومتی به وضوح روشن می‌شود و بی‌تردید گذر از این گردنه‌های دشوار نیاز به بسیج ملی با الزامات منحصر به فرد دارد.

ظرفیتهای موجود کشور

مقام معظم رهبری در بیانات خود در تاریخ‌های ۹۱/۳/۲۴ و ۹۱/۴/۷ ظرفیتهای کشور را چنین تبیین کردند:

وجود امکانات و ثروت داخلی

مردم خوب

منابع مالی موجود

منابع انسانی موجود و ملت جوان

عدم بدهکاری جهانی

محوریت تفکر دینی و اسلامی در حرکت کشور

وجود مسئولان معتقد به مبانی اسلام و انقلاب

امید به توفیق الهی برای دستیابی به پیشرفت محسوس و عدالت چشم گیر در دهه چهارم

انقلاب (۲۴/۳/۹۱ و ۷/۴/۹۱)

آنچه مسلم است یکی دیگر از مهم ترین ظرفیتهای کشور وجود رهبری الهی است که با درایت و مدیریت آگاهانه خویش تاکنون کشتی انقلاب را در طوفان‌های سهمگین هدایت فرموده‌اند. بهره‌گیری از همه ظرفیتهای فوق الذکر در مواجهه با جنگ اقتصادی دشمن به مقاومت و حماسه‌ای بی‌بدیل تبدیل خواهد شد.

اقتصاد مقاومتی از نگاه مقام معظم رهبری

«اقتصاد مقاومتی» اصطلاحی است که اولین بار مقام معظم رهبری در ۱۶ شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی کشور نمودند. بسیاری آن را راهکار مناسبی برای این روزهای اقتصاد کشور و شرایط تحریم‌های بی سابقه‌ای که به کشورمان تحمیل شده می‌دانند. اگر حماسه اقتصادی را مأموریت ملت در زمینه اقتصادی بدانیم که از سوی رهبری معظم انقلاب ابلاغ شده است، برای انجام آن باید از راهبرد اقتصاد مقاومتی شروع کنیم. در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد.

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است.

اقتصاد مقاومتی، به معنای ریاضت اقتصادی نیست، ما باید بتوانیم یک اقتصادی را در کشور به وجود بیاوریم که در مقابل بحرانها و جزروندهای بین‌المللی مقاوم باشد، آسیب نبیند؛ این لازم است (مقام معظم رهبری ۹۲/۵/۱۲). مقام معظم رهبری راهبردهای اقتصاد مقاومتی را به دو دسته تقسیم فرمودند:

الف) بلند مدت و میان مدت: مربوط به اصلاح نظام اقتصادی کشور

الف-۱. تکیه بر مردم

اقتصاد مقاومتی شرائط و ارکانی دارد؛ یکی از بخشهایش همین تکیه‌ی به مردم است؛ باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. (۱۳۹۱/۶/۲)

الف-۲. مقاوم بودن اقتصاد

وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. (۱۳۹۲/۱/۱)

الف-۳. اقتصاد دانش بنیان

به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین شرکت‌های دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است. (۱۳۹۱/۵/۸)

الف-۴. کاهش وابستگی به نفت

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش بنیان از جمله‌ی کارهایی است که میتواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. (۱۳۹۱/۵/۳)

الف-۵. تبیین دانشگاهی و آکادمیک اقتصاد مقاومتی

آنچه که به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده، این یک فکر است، یک مطالبه‌ی عمومی است. شما دانشجو هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده‌ی اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید.
(۱۳۹۱/۵/۱۶)

ب) کوتاه مدت: برنامه‌ها و امور اجرایی کشور

ب-۱. حمایت از تولید ملی

یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی... واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند و سوددهی‌شان خوب است، لذا محصول سیمان و فولادمان خوب است لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد. (۱۳۹۱/۶/۲)

ب-۲. مدیریت منابع ارزی

باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرفهای گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود. (۱۳۹۱/۶/۲)

ب-۳. مدیریت مصرف

مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند که امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد. (۱۳۹۱/۵/۳)

ب-۴. استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرحهائی که سالهای متمادی طول میکشید، امروز خوشبختانه با فاصله‌ی کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد. (۱۳۹۱/۵/۳)

ب-۵. حرکت بر اساس برنامه

حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیمهای خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هائی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاستهای اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود. (۱۳۹۱/۵/۳)

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی آن‌گاه شکل می‌گیرد که «همت و کار مضاعف» پدیدار گردد، به «جهاد اقتصادی» روی آوریم و به صورت جدی دست به کار «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» بزنیم. انسجام در سیاست‌گذاری‌ها و اتکا بر رویکردهای صحیح

اقتصادی، می‌تواند گویای این موضوع باشد که هر نوع جهش اقتصادی و پیشرفت در گرو اتخاذ مجموعه‌ای از راهبردهای بلندمدت، منسجم و متکی بر اصول و روابط علمی در فرآیند سیاست‌گذاری با هدف حمایت از تولید ملی است. آنچه در این نوشتار بدان اشاره خواهیم کرد، مروری است بر مؤلفه‌هایی که بدون تحقق آن، اقتصاد مقاومتی شکل نخواهد گرفت:

استقلال اقتصادی: شرط اصلی مقاومت، «استقلال» است. هرگز از دل وابستگی، مقاومتی شکل نخواهد گرفت. ملتی که رو به اقتصاد مقاومتی دارد، باید به اقتصاد خود سامان بخشد و آن را به مرز پویایی، استقلال و خودکفایی برساند.

قدرت اقتصادی: اگر کشوری برای تأمین کالاهای اساسی و ضروری به دست خود، به قدرت اقتصادی دست یافت، تأمین برخی از کالاهایی که کالاهای اساسی و در حدّ ضرورت نیست، به «قدرت اقتصادی» او آسیب نخواهد رساند؛ چراکه اقتدار اقتصادی او، مانع از سوء استفاده دیگر کشورها خواهد بود.

همت مضاعف و کار مضاعف: دستیابی به استقلال و اقتصاد مقاومتی، مصداقی از بلندهمتی است و لازمه بلندهمتی، همت مضاعف و کار مضاعف است. همت و کار مضاعف، پادزهر کمبودها و کاستی‌هاست و به همان اندازه که شخص و جامعه از قافله پیشرفت انسانی جا می‌مانند و دچار رکود اقتصادی می‌شوند، نیازمند کار و همت مضاعف هستند.

همت گماشتن به تولید و کالاهای داخلی: اقتصاد مقاومتی آن‌گاه شکل خواهد گرفت که تولید داخلی تا مرز خودکفایی افزایش یابد و از یک‌سو با تولید کالاهایی مرغوب و

با کیفیت و از سوی دیگر با پرهیز از رو آوردن به کالاهای خارجی، زمینه مصرف‌گرایی کالاهای بیگانه از میان رود و استفاده از کالاهای داخلی به صورت یک فرهنگ در آید.

توجه به اولویت و نیازها: شهید بهشتی نیز می‌نویسد: در برنامه‌ریزی صنعتی، باید اولویت‌ها رعایت شود و تا وقتی که فرآورده‌های صنعتی مربوط به نیازهای اساسی جامعه را در رابطه با خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، درمان، انرژی، نوشت‌افزار و افزارهای آموزشی دیگر، حمل و نقل و تجهیزات دفاعی به اندازه کافی تهیه نشده، در تولیدات دیگر، از قبیل تولیدهای تفننی سرمایه‌گذاری نشود. (بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۶۹)

مشارکت عمومی: بدون کمک همگانی و مشارکت عمومی نمی‌توان به رشد اقتصادی مطلوب رسید و گره‌های اقتصادی را گشود. حضرت علی علیه السلام فرمود: «خَوْضُ النَّاسِ فِي الشَّيْءِ مُقَدَّمَةٌ الْكَاثِنِ؛ روی آوردن مردم در امری، مقدمه تحقق آن است». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۸: ۲۱۵)

پرورش اخلاقی انسان‌ها: اگر اخلاق بر جامعه‌ای حاکم باشد، کم‌کاری صورت نمی‌گیرد؛ همت‌ها بیشتر صرف تولید می‌شود تا مصرف؛ از کارهای کاذب اجتناب می‌شود؛ به کیفیت کالاها و تخصص در کارها اهتمام ویژه‌ای ورزیده می‌شود؛ از رشوه و ربا پرهیز می‌شود و....

امنیت اقتصادی: مقام معظم رهبری نیز درباره امنیت اقتصادی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد کشور می‌فرماید: ما درباره امنیت اقتصادی در این کشور، اعتقاد راسخ داریم که باید طوری باشد که در این کشور، کار اقتصادی، حرکت اقتصادی، تلاش اقتصادی، رونق اقتصادی و سازندگی اقتصادی - از هر نوعش - امکان‌پذیر باشد و کسانی که اراده این کار را دارند، با امنیت بتوانند این کار را انجام دهند. (۱۳۷۸/۶/۱۰)

پرهیز از مصرف‌زدگی و اسراف: مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: برای جامعه، بلای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع خوردن، متنوع پوشیدن و دنبال نشانه‌های مُد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن تشویق شوند. (۱۳۸۱/۹/۱۵)

ریاضت و خویشتن‌داری اقتصادی: خویشتن‌داری در برابر نارسایی‌ها و کاستی‌های توجیه‌پذیر تولیدات داخلی، از هدر رفتن سرمایه‌ها و منابع باارزش ملی جلوگیری می‌کند، و سپری است در مقابل وابستگی، و مرکبی است برای دستیابی به کمال مطلوب، و راهی است برای دستیابی به آرزوهای والا و بزرگ، و اهرمی است برای ظفرمندی و رونق اقتصادی و جبران عقب‌ماندگی.

رضایت‌مندی از کار و کار از سر شوق: در کار عاشقانه و همراه با رضایت خاطر است که انسان، نوآور و خلاق می‌شود و فعالیت اقتصادی‌اش را به نیکوترین صورت انجام می‌دهد. در کار عاشقانه، جسم توانی دوچندان می‌یابد. استقامت در حدّ اعلی است و انگیزه منفعت‌خواهی، از گستره شخص فراتر می‌رود و جامعه و مردم را نیز دربرمی‌گیرد. مطلوبیت و جهت‌دار بودن کارها: کاری منشأ رشد جامعه و موجب بالندگی و تعالی و نشاط اجتماع می‌گردد، که نشان نفع عمومی و هنرمندی و اندیشه‌ورزی با خود داشته، در پس آن، دانش و بینشی نهفته باشد.

پرهیز از سوء استفاده از مالکیت‌ها: اسلام در یک حال تعادل بین آزادی مطلق و تحریم مطلق قرار دارد؛ بدین سان که بعضی از سودها مانند سودهای ربوی را تحریم کرده، و برخی دیگر از سودها، مانند سودهای تجاری را تجویز کرده است. (صدر، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴۳۹)

پی‌ریزی اقتصاد بدون نفت: از توصیه‌های اقتصادی مقام معظم رهبری، اقتصاد بدون نفت است. ایشان در این باره فرمودند: ما باید به اینجا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت، واقعاً بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگ‌ترین بلیات اقتصاد ما و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است. (۱۳۹۰/۵/۲۵)

نظارت بر اقتصاد کشور و کارهای تولیدی: اسلام اصل نظارت حکومت اسلامی را بر فعالیت عمومی، و دخالت دولت برای حمایت مصالح عمومی و نگهداری از آن، به وسیله محدود کردن آزادی‌های افراد در کارهایی که با آن سر و کار دارند، وضع کرده است. وضع این اصل از طرف اسلام، ضروری بود، تا ضامن تحقق بخشیدن ایده و مفاهیم عدالت اجتماعی خود به مرور زمان باشد. (صدر، ۱۳۴۹: ج ۱: ۳۶۰)

عرضه کالا بر اساس مصالح عمومی، و نه بر مبنای تمایل و تقاضای عمومی: منبع درآمد، نباید تمایلات و خواسته‌های مردم باشد، بلکه مصالح عمومی باید باشد. این اقتصاد، اقتصادی است واقع‌بینانه و مرتبط به اخلاق و تربیت بشر. پس در عین اینکه اسلام طرفدار ازدیاد ثروت است و ثروت را وسیله تأمین هدف‌های عالی خود می‌داند، به همین دلیل که هدف، عالی‌تر از خود ثروت است، راه درآمد را تمایلات و تقاضا نمی‌داند، مصلحت را راه می‌داند. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۰)

حاکم بودن تلاش و رقابت اقتصادی آزاد: اگر بر فضای اقتصادی کشور، رقابت آزاد و در عین حال سالم حکم فرما باشد، هر روز شاهد رشد بیشتری در عرصه‌های گوناگون اقتصادی خواهیم بود. تنها در این صورت است که همه استعداد‌های اقتصادی کسانی که به رقابت می‌پردازند، شکوفا می‌شود و همواره انگیزه‌ها و امید بیشتری در افراد به منظور تلاش‌های اقتصادی بیشتر خواهد جوشید (اسلامی، ۱۳۷۴: ۲۹۷) همان‌طور که نباید از هر

راهی به دنبال ثروت بود، نباید سیستم اقتصادی به شکلی باشد که رشد و نمو را متوقف و فلج کند و جلوگیری نماید. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۱)

حاکمیت عدالت اقتصادی: نبود عدالت اقتصادی در جامعه، به ایستایی و رکود اندیشه‌های اقتصادگرا می‌انجامد و سبب اختلال در فعالیت‌های اقتصادی و کم شدن احساس امنیت در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی می‌شود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: بعضی می‌گویند شما که راجع به عدالت حرف می‌زنید، امنیت اقتصادی از بین می‌رود. به عکس است. اگر عدالت باشد، امنیت اقتصادی بیشتر است. دزدها و چپاول‌گرها هستند که از بی‌عدالتی سود می‌برند. انسانی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند و طبق قانون سود ببرد، از عدالت خوشش می‌آید؛ عدالت، پشتوانه و پشتیبان اوست. (۱۳۷۷/۴/۷)

پرهیز از استثمار اقتصادی انسان‌ها در شرایط اضطرار و ناچاری: بی‌گمان، هرگونه بهره‌کشی ظالمانه از نیروی کار، همانند وادار نمودن او به پذیرش کار با دستمزد ناچیز، تحمیل زمان کار فراتر از حد، ندادن فرصت استراحت و انجام فرایض دینی به هنگام کار، و توجه کافی نداشتن به مسئله بیمه و مسکن، همگی به معنای استثمار بوده، از دیدگاه اسلام ممنوع است. این شیوه به ویژه درباره کسانی که بر اثر فشار مشکلات اقتصادی و محدودیت فرصت‌های شغلی در جامعه، ناگزیر به پذیرش شرایط سنگین کار هستند، بسیار زشت‌تر و نابخشودنی است. (ایروانی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)

پرهیز از راکد گذاشتن اموال: رشد و شکوفایی و شادابی اقتصادی در گرو جریان داشتن پول و دارایی افراد در پیکره اقتصاد کشور است. در حدیثی از امام موسی بن جعفر علیه السلام در این باره آمده است که فرمود: «همانا زمین برای خداوند عزّ و جل است که خداوند آن را روزی بندگانیش قرار داد. پس هر که زمینی را به مدت سه سال بدون هیچ

علتی معطل بگذارد و از آن استفاده‌ای نکند، باید از دست او خارج شود و به غیر او واگذار شود». (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵: ۲۹۷)

بازداشتن سرمایه‌داران از تسلط اقتصادی: از یاد نبریم که یکی از چیزهایی که مانع رشد و افزایش ثروت عمومی است، تصاحب سرمایه‌های عمومی به دست مالکان خصوصی است. ممکن است اینها برای حفظ سیاست و سیادت خود، فلسفه فقر (فقیر نگه داشتن) ملت را عمل کنند و برای اینکه بردگان را در حال بردگی نگه دارند، مانع تکثیر و افزایش بشوند و احیاناً مازاد را از بین ببرند». (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۰۳)

توزیع درست و عادلانه ثروت: تولید در واقع پیاده کردن قواعد توزیع می‌باشد. از سوی دیگر، با تکامل ابزار فنی و ترقی سطح تولید، قدرت انسان در مقابله با طبیعت، بیشتر شده و می‌تواند به مقیاس‌های بزرگ‌تری دست‌اندرکار تسخیر طبیعت شود. در نتیجه، امکان تخلف از قواعد عمومی توزیع نیز بیشتر می‌گردد؛ به طوری که توازن عمومی و عدالت اجتماعی مورد تهدید قرار می‌گیرد. در این حالت، ناگزیر باید سازمان تولید را به نحوی ارشاد نمود که با هدف‌های عدالت خواهانه سازگار باشد. (صدر، ۱۳۴۹، ج ۲: ۲۸۷)

روان بودن واردات و صادرات: امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر، او را به فراهم آوردن زمینه برای بازرگانان به منظور واردات کالاهای مورد نیاز از سوی آنان چنین سفارش می‌کند: درباره بازرگانان و صنعتگران سفارش مرا بپذیر و به بهترین شیوه درباره آنان سفارش کن؛ چه کسی که بر جای باشد، و چه آنکه با مال خود از این سو بدان سو رود و با دسترنج خود کسب کند؛ که آنان مایه‌های سودها و وسیله به دست آمدن درآمدها و کالاهای مورد نیاز مردم هستند و آورنده آن کالاها از جاهای

دوردست و دشوار، در بیابان و دریاها و دشت و کوهسار؛ جاهایی که مردم برای موقعیت دشوارش به آنجاها نمی‌روند و رفتن به آنجا را در سر نمی‌پروراندند. (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۰)

تکیه روی علم برای حل مشکلات اقتصادی: مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: یکی از کلیدهای حل مشکلات اقتصادی و معضلات اقتصادی ما، تکیه‌ی روی علم است. دو نکته است در مورد این مسائل علمی: یکی تکمیل زنجیره‌ی علم و فناوری است؛ یعنی این زنجیره‌ی از ایده و فکر و سپس علم و سپس فناوری و سپس تولید و سپس بازار را ما باید تکمیل بکنیم، نکته‌ی بعدی هم شرکتهای دانش‌بنیان؛ هر چه می‌توانید باید بروید سراغ شرکتهای دانش‌بنیان. (مقام معظم رهبری ۹۲/۵/۱۸)

با تعمق بر موارد ذکر شده می‌توان دریافت که تحقق آنها به پشتوانه‌ای ملی و بسیج آحاد جامعه نیازمند است؛ و آنچنان این نیاز ضروری است که بدون بسیج ملی دستیابی به آنها غیرممکن است.

بسیج ملی

بسیج در حقیقت مظهر یک وحدت مقدس میان افراد ملت است. (مقام معظم رهبری ۷۱/۸/۲۷) بسیج فرآیند و سازوکاری است که طی آن جمعیت‌ها مقدمات و منابع توسط یک نیروی بسیج کننده، برای تحقق یک هدف معین، آماده‌سازی، سازماندهی و فعال شده و تحقق هدف را ممکن و میسر می‌سازند. (دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۸۸: ۹) همه میدانهایی که بسیج در آن حضور پیدا کرده است میدانهای ملی است، میدانهای مربوط به همه ملت است. (مقام معظم رهبری ۱۳۸۰/۱/۱)

- بسیج ملی شامل دو بخش است: ۱) بسیج منابع انسانی (سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی)
- ۲) بسیج امکانات ملی (منابع فیزیکی و مالی و اطلاعاتی و...)
- ویژگی های بسیج ملی:
- ۱- بسیج ملی در شرایطی شکل می گیرد که نهادها و سازوکارها و روش های رسمی و متعارف پاسخگو نمی باشد.
 - ۲- بسیج ملی برخوردار از آرمان و هدف مشترک است و این آرمان مشترک مبتنی بر ایدئولوژی بسیج کننده و شوق انگیز مردم در پیوستن به است.
 - ۳- بسیج ملی قواره مند و برخوردار از الگو، سازمان و برنامه ریزی است.
 - ۴- بسیج ملی فراگیر و دارای پایگاههای مختلف اجتماعی و طبقاتی است. (دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۸۸: ۱۵)

ارکان بسیج ملی:

- بسیج ملی دارای ارکانی است که بدون آنها بسیج مفهوم خود را از دست خواهد داد:
- ۱) مردم: حضور توده های مردم و فراهم کردن جمعیت زیاد برای دستیابی به هدفهای خاص و هرچه این حضور و جمعیت بیشتر باشد اثر بخشی و پایداری آن بیشتر است
 - ۲) نظام فکری (ایدئولوژی): ایدئولوژی احساس و تحرک فرد را برمی انگیزد و از طریق ساده سازی پیچیدگی های واقعیت و عرضه راه حل های ساده و ارائه داورهای ارزشی راه را برای اقدام هموار می کند.

۳) رهبری بسیج: رهبری بسیج با ایجاد وحدت و سازماندهی راه رسیدن به هدف را هموار ساخته و مشکلات را از سر راه برمی‌دارد. رهبری در بسیج ایدئولوژی و آرمان عرضه می‌کند، انگیزش ایجاد می‌کند و به بسیج جهت و دوام می‌بخشد.

۴) سازماندهی: هدف و ماهیت بسیج نوع سازماندهی و چگونگی آن را مشخص می‌کند. در بسیج هرچه روابط درونی و فرهنگ مشترک در داخل بسیج گسترده‌تر باشد احتمال پیروزی آن بیشتر است.

۵) ایمان و انگیزه: ایمان و انگیزه نهادینه شدن ایدئولوژی بسیج در وجود جامعه بسیج شده است. به هر میزان که ایمان و انگیزه فراگیرتر و پایه‌های آن در روح و جان بسیجیان ریشه‌دارتر باشد قدرت ناشی از آن و در نتیجه قدرت بسیج بیشتر است. (دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۷)

رابطه بسیج ملی و اقتصاد مقاومتی

می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی تبلور بسیج ملی در حل مسایل اقتصادی است. همانطور که در بسیج ملی آحاد مردم مهمترین رکن هستند در حماسه اقتصادی نیز بدون مشارکت مردم حماسه صورت نمی‌گیرد. در اقتصاد مقاومتی هر دو جبهه - مردم و مسئولان - باید حضور داشته باشند. در جبهه مردم که نگاه امیدوارانه و همت بلند لازمه حضور جهادی است و در جبهه مسئولان نیز با برنامه ریزی دقیق، پرهیز از برخوردهای دفعتی و تصمیم‌گیریهای خلق الساعه و مدیریت فضای اقتصاد کشور به شکل روشمند و هوشمندانه است. همانطور که در بسیج ملی سازماندهی، رهبری، ایمان و انگیزه رکن است در اقتصاد مقاومتی نیز سازماندهی، اعتقاد به هدف متعالی و هدایت ورهبری شرط اساسی است.

می‌توان گفت رکن اقتصاد مقاومتی بسیج ملی است بطوریکه با بسیج ملی است که اقتصاد مقاومتی بوجود می‌آید. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: آحاد مردم چه در مصرفشان چه در تولیدشان بخشهای... مولد یک جور، بخشهای مصرف‌کننده یک جور، بخشهای خدمات یک جور، بدانند که برای پیشرفت کشور حرکت جهش‌گونه لازم است خلق حماسه لازم است آن وقت کشور پیش خواهد رفت. (۹۲/۲/۷)

با توجه به موارد ذکر شده، می‌توان گفت، خلق اقتصاد مقاومتی نیز بدون بسیج ملی امکان‌پذیر نیست.

چهار رویکرد اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی را می‌توان چهارگونه تعریف نمود و چهار رویکرد یا ترکیبی از همه‌ی آنها را در کشور به عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد.

رویکرد اول: اقتصاد موازی

این رویکرد برگرفته از تعریف اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده‌ی نهادهای رسمی اقتصادی برنمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کارویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم.

این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما اینکه اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاست‌گزاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه‌ی اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی-مالی کشور در دو لایه‌ی دولتی و عمومی وجود ندارد. اما باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره‌نشدنی و غیرمعقول به حساب آورد.

رویکرد دوم: اقتصاد ترمیمی

در این رویکرد، اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب

اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فروردین انگشت خود در ترک دیواره‌ی سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسأله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند.

رویکرد سوم: اقتصاد دفاعی

رویکرد سوم مبنی بر این تعریف از اقتصاد مقاومتی است که، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اختلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

رویکرد چهارم: اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از

دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود.



البته همه‌ی این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی، همانگونه که در شکل مشاهده می‌شود، به نوعی با هم رابطه‌ی «عموم و خصوص من وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند (دکتر عادل پیغامی)

نکات اقتصاد مقاومتی

۱. فرماندهی متمرکز: همانطور که رهبری در بسیج ملی از ارکان آن به شمار می‌آید در حماسه اقتصادی فرماندهی متمرکز لازم است. فعالان این عرصه باید بتوانند اطلاعات و دستاوردهای خود را در جایی به اشتراک بگذارند. فرماندهی هوشمند و متمرکز برای هدایت فعالیت‌های این حوزه و شناسایی و آموزش نیروهای مستعد و مناسب برای فعالیت علمی و عملیاتی در این عرصه لازم است. مراکزی چون شورای عالی امنیت ملی، بایستی با عنایت به مسائل فوق در کمک گرفتن از دیگر نیروها پویا و چابک باشند.

۲. دیده بانی اقتصادی: فعالیت در عرصه اقتصاد مقاومتی که زمینه ساز حماسه اقتصادی است، نیاز به رصد و دیده‌بانی فضای اقتصادی داخلی و بین‌المللی و نیز گردآوری آمارهای دقیق و روزآمد دارد. برای این منظور به شاخص‌های بومی نیاز داریم تا میزان مقاومت و آسیب‌پذیری اقتصادمان را بر اساس آنها شناسایی کنیم. در این زمینه نیز کسانی که نقش هدایت‌گری بسیج ملی را برعهده دارند، موثرند.

۳. سبک زندگی جهادی: ضرورت طراحی یک الگوی مشخص از شیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم و به‌ویژه برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است؛ آنهایی که قائل به صحت و صدق ایده‌ی اقتصاد مقاومتی هستند ابتدا باید دولت را در سبک‌آزایی امور و سپس این بخش از مردم را به سبک‌آزایی متناسب با انقلاب تشویق و تأیید کرد تا بدین وسیله سبک‌آزایی متناسب با مقتضیات انقلاب را در جامعه پُررنگ‌تر کنند. تغییر سبک زندگی مصرفی به سبک زندگی مقاومتی در صورتی محقق می‌گردد که عموم جامعه در این کار بسیج شوند.

۴. اصلاح نظام آموزشی: در حماسه اقتصادی نقش نظام آموزشی عبارت از این است که متناسب با اقتصاد مقاومتی عمل کند. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان و

نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کند. اما متأسفانه در کشور ما این اتفاق به خوبی نمی‌افتد. این سؤال مطرح است که نظام آموزشی ما چه اندازه به دنبال جهادی بارآوردن مخاطبان خویش است و آیا اصلاً فکری برای این دارد که فرزندان این مرز و بوم را جهادگر باریاورد؟ موفقیت نظام آموزشی در اقتصاد مقاومتی به بسیج ملی و تلاش همه خانواده‌های ایرانی بستگی دارد.

۵. اصلاح نظام تبلیغاتی: نظام رسانه‌ای و تبلیغاتی ما برای رواج آموزه‌های اقتصاد مقاومتی در آحاد ملت موثرند. ما به نظام تبلیغاتی هماهنگ و منسجمی احتیاج داریم که بتواند این آموزه‌ها را از طریق رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مختلف، به خوبی و در بسته‌بندی‌های مناسب به مردم عرضه کند؛ همان گونه که در دوران دفاع مقدس به هر حال دستگاه‌هایی مسئول کاری شبیه این کار بودند و برای آن فکر می‌کردند.

۶. واکنش سریع نظام اقتصادی به حملات دشمن: امکان واکنش سریع نظام اقتصادی ما در برابر حملات اقتصادی، به میزان مشارکت مردم و خواست آنها وابسته است؛ این که چقدر توان واکنش به کنش‌ها و حملاتی را داریم که به نظام اقتصادی ما وارد می‌شود و چقدر می‌توانیم در این واکنش سریع استقامت داشته باشیم، به اراده ملی بستگی دارد.

۷. تحقق اقتصاد مردمی: مشارکت آحاد جامعه در اقتصاد، ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی و نتیجه آن حماسه اقتصادی است. اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. یکی از شکل‌های اقتصاد مقاومتی نهادسازی موازی است. اگر قرار باشد ما اقدام به نهادسازی‌های موازی در اقتصاد مقاومتی کنیم، هیچ لزومی ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد، بلکه ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند.



۸. حمایت از فعالان اقتصادی: توجه و دلجویی و حمایت دولت از فعالان اقتصادی زمینه ورود بیشتر آنها به اقتصاد است. اگر دولت در شرایط عادی از فعالان اقتصادی و از کشاورزان و کارگران و کارمندان حمایت کند، و حوزه‌هایی که از عهده بخش خصوصی برمی‌آید، به آنان واگذار شود دولت سبکبار شده و به مسایل کلان بیشتر می‌رسد.

۹. تحرک دستگاه دیپلماسی کشور: برای فعال کردن ظرفیت‌های بالقوه و فرصت‌های جهانی در اقتصاد مقاومتی تحرک دیپلماسی لازم است. لازم است تا گردآوری و استفاده از تجارب اقتصادی دیگر کشورها در زمینه‌های مشابه را مجدانه پیگیری کنیم. به هر حال ممکن است هر کشوری در یک برهه‌ای با مشکلات اقتصادی مواجه بوده باشد؛ اگر دستگاه دیپلماسی کشور این تجربیات را گردآوری کند و در اختیار فعالان و محققان اقتصادی بگذارد، و آنان با بومی‌سازی این تجربیات آنها را به مردم انتقال دهند، این مسأله برای اقتصاد کشور بسیار راهگشا خواهد بود.

۱۰. گفتمان‌سازی: برای بسیج ملی در اقتصاد مقاومتی، گفتمان‌سازی لازم است. گفتمان‌سازی، لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و

مجامع مذهبی است. همین صحبت کردن و گفت‌وگو پیرامون این موضوع و توجه به ابعاد مختلف آن، در سرعت حرکت به سمت خلق حماسه اقتصادی تأثیری بسزا خواهد داشت.

اقدامات سازمان بسیج در اقتصاد مقاومتی

یکی از ارگانهایی که وظیفه بسیج ملی آحاد جامعه را دارد سازمان بسیج مستضعفان است. این سازمان با تشکیل قرارگاه اقتصاد مقاومتی، به منظور استفاده بهینه از ظرفیت‌های خالی موجود در بخش کشاورزی و به حداقل رساندن وابستگی کشور، ضمن هماهنگی لازم با وزارت کشاورزی، بانک‌های عامل، و مراکز فنی و حرفه‌ای تمرکز خویش را بر ایجاد واحدهای تولیدی کوچک بخصوص در روستاها با رویکرد اقتصاد بومی روستایی قرار داده است. در این اقدام با الهام از رویکرد چهارم اقتصاد مقاومتی پیش گفته اقدامات زیر را انجام داده است:

۱. پرورش مرغ
۲. پرورش ماهی و آبزیان
۳. پرورش زنبور عسل
۴. پرورش ماکیان
۵. پرورش قارچ
۶. تولید کود کمپوست
۷. ایجاد صنایع تبدیلی
۸. ایجاد گلخانه
۹. تولید زعفران
۱۰. فعال کردن تعاونی روستایی (مصاحبه با مسئول قرارگاه اقتصادمقاومتی بسیج سازندگی)

نتیجه گیری

راهبرد اقتصاد مقاومتی دانست که می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه‌ی اقتصاد را بالفعل کند و نهایتاً به جهش در سطح تولید ملی منجر شود. در اقتصاد مقاومتی، رکن اصلی، همان قوام اقتصاد داخلی و عدم وابستگی به بیرون است و با بسیج ملی و نقش آفرینی آحاد جامعه نه تنها مشکلات اقتصادی برطرف خواهد شد بلکه با استمداد از عنایات خداوند و پیروی از

منویات رهبر فرزانه انقلاب حتی به قطب اقتصادی نیز می توان تبدیل شد. از آنچه بیان شد می توان نتیجه گرفت که با بسیج ملی در اقتصاد مقاومتی می توان نه تنها از تحریم ها عبور کرد بلکه اقتصاد مقاومتی موجب جهش رشد اقتصادی کشور نیز خواهد شد. در پایان راهبردهای زیر برای سازمان بسیج به منظور مشارکت دادن آحاد جامعه در اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می گردد:

۱. ایجاد تعاونی تولیدی در صنایع کوچک و متوسط
۲. ایجاد تعاونی توزیعی در سطح کشور به منظور کوتاه کردن فاصله تولید تا مصرف
۳. فرهنگ سازی در مصرف
۴. ایجاد کارگروههایی جهت تحقیق و طراحی محصولات چندمنظوره (مثل لباس و ...)
۵. بهره گیری از همه ظرفیت های بسیج اقشار (جامعه مهندسين، جامعه پزشکی، و ...)
۶. بهره گیری از ظرفیت نیروهای مسلح در طرح های تولیدی بزرگ کشاورزی

- ۱) ایروانی، جواد (۱۳۸۴). **اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث**، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۲) اسلامی، ابوالفضل (۱۳۷۴). **اقتصاد فطری**، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ نخست.
- ۳) اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۲). **سخن‌ها را بشنویم**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.
- ۴) بهشتی، سید محمد حسین (۱۳۸۸). **حزب جمهوری اسلامی**، تهران: بقعه، چاپ نخست.
- ۵) _____ (۱۳۸۶). **ولایت، رهبری، روحانیت**، تهران: بقعه، چاپ چهارم.
- ۶) پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) / <http://www.olgooha.com/>
- ۷) پیغامی، عادل (۱۳۹۱). «چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، ده نکته درباره‌ی تحقق اقتصاد مقاومتی»، <http://farsi.khamenei.ir/others-1391/5/7-note?id=20559>
- ۸) پوپر، کارل (۱۳۸۰). **جامعه باز و دشمنان آن**، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
- ۹) توسلی، غلامعباس (۱۳۹۰). **جامعه‌شناسی کار و شغل**، تهران: سمت، چاپ دهم.
- ۱۰) جبران خلیل جبران (۱۳۸۲). **زبان فرشتگان**، ترجمه مسیحا برزگر، تهران: نگارستان کتاب زرین.
- ۱۱) جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰). **پدیده‌شناسی فقر و توسعه**، قم: بوستان کتاب، چاپ نخست.
- ۱۲) حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۷۱). **الحیاه**، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۳) دشتی، محمد (۱۳۷۹). **ترجمه نهج البلاغه**، قم: نشر مشرقین، چاپ هفتم.
- ۱۴) ذوالقدر، محمدباقر (۱۳۸۸). «مبانی و ابعاد بسیج ملی»، **پایان‌نامه دکتری**، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع ملی.
- ۱۵) سیف، الله مراد (۱۳۹۲). **جزوه درسی اقتصاد خرد و کلان و ملی**، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۱۶) شلتوت، شیخ محمود (۱۳۸۲). **اسلام آیین زندگی**، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران: احسان، چاپ نخست.

- ۱۷) شهریار، محمدحسین (۱۳۸۵). **دیوان**، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ بیست و هفتم.
- ۱۸) صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی تغییر در فرهنگ مصرف و سرمایه گذاری»، **به گزارش ۵۹۸** به نقل از فارس.
- ۱۹) صدر، سید محمدباقر (۱۳۴۹). **اقتصادنا**، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- ۲۰) عظیمی، مرتضی و دیگران (۱۴۰۳ق). **الشؤون الاقتصادية في نصوص الكتاب و السنة**، تعلیق: جعفر الهادی، اصفهان: مکتبه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، چاپ نخست.
- ۲۱) کلینی (۱۳۶۵). **کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۲) کیافر، شهرزاد (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی تفاوت با ریاضت اقتصادی»، دوشنبه، ۲۰ شهریور.
- ۲۳) گلی زاده، رسول (۱۳۹۲). «تعریف حماسه اقتصادی»، قابل دسترسی در **tebyan.net**.
- ۲۴) فتحی، محمدسجاد (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی»، **سایت بسیج سازندگی**.
- ۲۵) مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**، بیروت: دار احیاء التراث، چاپ سوم.
- ۲۶) محمدیان و شکری (۱۳۹۲). مصاحبه حضوری در خصوص اقتصاد مقاومتی، قرارگاه بسیج سازندگی.
- ۲۷) مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). **آینده انقلاب اسلامی ایران**، قم: صدرا، چاپ بیست و ششم.
- ۲۸) _____ (۱۳۸۵). **نظری به نظام اقتصادی اسلام**، تهران: صدرا، چاپ سیزدهم.